

توانمندسازی: مدل مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی ایران*

محمود نیکدست^۱ - بهمن ادیب‌زاده^{۲*} - مرجان خان‌محمدی^۲ - سعید صالحی مرزبجانی^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۴. استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

چکیده

گسترش فرسودگی بافت‌های تاریخی ایران و عدم توان فنی و اجرایی نهادهای رسمی (دولت و شهرداری) در مرمت و احیای آن‌ها ضرورت پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی بر پایه حضور و دخالت مستقیم مردم در مرمت و احیای محلات تاریخی ایران است. سرمایه اجتماعی مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در رویدادهای اجتماعی است و همواره وابسته به سه متغیر مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی است. سه متغیر ذکرشده همواره بر یکدیگر اثر مستقیم گذاشته و تقویت سرمایه اجتماعی وابسته به تقویت این متغیرها است که مدل پیشنهادی این پژوهش بر این اصل استوار است. روش‌شناسی این پژوهش بر پایه پژوهش‌های کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی و بر حسب هدف کاربردی می‌باشد. در این پژوهش داده‌های حاصل از مطالعات مرتبط به روش قیاسی و حرکت از کل به جزء تحلیل و متغیرهای موضوع سرمایه اجتماعی و مولفه‌های موثر بر آن‌ها استخراج، دسته‌بندی و وزن‌دهی شد. در ادامه به روش استقرایی و حرکت از جزء به کل، چارچوب نظری مدل پیشنهادی در جهت تقویت این مولفه‌ها و بر اساس فرهنگ بومی محلات تاریخی ایران، طراحی شد. تقویت متغیرهای اعتماد و مشارکت اجتماعی با راه‌اندازی نظام‌های غیررسمی پایدار در جامعه سنتی ایران و تقویت متغیر انسجام اجتماعی با شناخت دقیق زمینه، آموزش، تبادل اطلاعات و تأکید بر پرورش ارزش‌های مشترک، فرصت‌های برابر و رفع چالش‌ها و کمبودهای مشترک در محلات تاریخی هدف امکان‌پذیر است. مدل پیشنهادی تحت عنوان مدل توانمندسازی از یک طرف با تفویض اختیار به مردم و معتمدین محلی آن‌ها (نهادهای غیر رسمی) در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی و کنترل طرح‌ها و برنامه‌ها و از طرف دیگر با تسهیلگری نهادهای رسمی در حل مشکلات و کمبودها، امکان توسعه پایدار مرمت و احیای محلات تاریخی ایران را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی، توانمندسازی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نویسنده اول با عنوان مدل مفهومی مشارکت مردمی در احیای بافت تاریخی (مطالعه موردی: محدوده بافت محله عودلاجان و امامزاده یحیی شهر تهران) است که با راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در سال ۱۴۰۲ انجام گرفته است.

** E-mail: adibzadh@yahoo.com

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاری گسترده دولت در شهرها با پشتوانه درآمدهای نفتی، منجر به رشد سریع جمعیت شهری شد (Salehi Amiri and Mohammad 2011). در این میان عدم انطباق مناسب و سریع بافت‌های قدیمی و تاریخی با تکنولوژی روز منجر به توسعه برون‌زا و تهی شدن شهر و در نتیجه اسکان مهاجرین، فقر، محرومیت و آسیب‌های اجتماعی در این محدوده می‌شود (Andalib, Massoud, and Yousefi Azar 2013). تاکنون مطالعات و اقدامات اجرایی گسترده‌ای در زمینه مرمت و احیای بافت‌های تاریخی در ایران انجام شده است اما وضعیت ناپایدار این بافت‌ها نشان می‌دهد این اقدامات عموماً با توفیق همراه نبوده است که مهم‌ترین دلایل آن، تأکید این پروژه‌ها بر اقدامات کالبدی و توجه کم‌تر به ابعاد اجتماعی می‌باشد. مرمت و احیای بافت‌های تاریخی نیازمند حضور و دخالت مستقیم ساکنین محلات در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی است و در صورت تحقق این مهم، مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی نیز محقق می‌شود. هدف اصلی این پژوهش مرمت و احیای پایدار محلات تاریخی ایران با تکیه بر سرمایه اجتماعی ساکن در این محلات (مشارکت واقعی مردم) می‌باشد که در این راستا نیازها و خواسته‌های واقعی ساکنین محلات تاریخی و به‌رمندی از خدمات شهروندی آن‌ها نیز تأمین می‌شود. حال این سوالات مطرح می‌شود که «مشارکت واقعی ساکنین محلات تاریخی چگونه محقق می‌شود؟ متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت واقعی ساکنین محلات تاریخی چیست؟ ابزارها و روش‌های تقویت متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت واقعی ساکنین محلات تاریخی چیست؟». مشارکت از موضوعاتی است که همواره تحت تأثیر مستقیم دو متغیر اعتماد و همبستگی بوده که دیرینگی و استمرار ارتباط اجتماعی، منافع و چالش‌های مشترک، برابری و عدالت بر این دو متغیر تأثیرگذار می‌باشد و در صورت تقویت مولفه‌های این متغیرها، مشارکت واقعی ساکنین در محلات تاریخی ایران فراهم می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

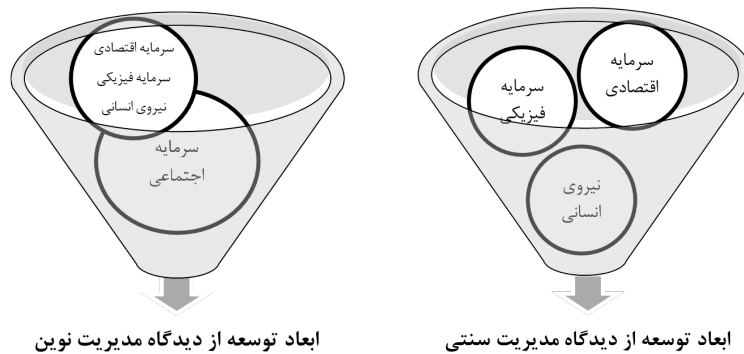
در دهه ۱۹۹۰ میلادی، در راستای باززنده‌سازی عملکردی، صیانت از مکان‌های تاریخی و مشارکت اجتماع محلی، از نکات قابل توجه در فرآیند بازآفرینی محسوب

می‌شود (Pourahmad, Habibi, and Keshavarz 2010). اولویت بعد اجتماعی و سپس زیرساختی، کالبدی و کاربری‌های مورد نیاز محله در فرآیند تدوین طرح و مداخله در بافت‌های فرسوده شهری به شیوه مشارکتی ضروری است (Zainalzadeh and Jahed Gadami 2016). مداخله مردم‌گرایانه بیش از طراحی به برنامه‌ریزی مردمی می‌انديشد (Habibi and Maqsoodi 2008). در مشارکت خودانگیختگی مردم، خود، مبتکر پروژه‌ها بوده و علی‌رغم حمایت‌های فنی و مالی نهادهای دیگر، کنترل منابع پروژه همچنان در دست مردم می‌باشد؛ چنین پروژه‌هایی در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی می‌تواند به اجرای کامل برسد (Moradi, Zarabadi, and Majdi 2019). سرمایه فرهنگی و اجتماعی مهم‌ترین پیش‌نیاز مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده است و شاخص تعهد اجتماعی، حس همیاری و انسجام اجتماعی و همچنین شاخص اعتماد بر میزان مشارکت ساکنان در پروژه‌های نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی اهمیت فراوان دارد (Amir Ahmadi, Navabakhsh, and Zanjani 2016). توجه به ابعاد کالبدی و اجتماعی محلات در قالب ارتقاء شاخص‌های اعتماد، مشارکت شهروندی، پیوندهای همسایگی و شبکه‌های اجتماعی، مهم‌ترین راهبرد در طرح‌های توسعه شهری است. کاهش تعاملات محلی و ارتباطات غیررسمی ساکنان به علت مهاجرت ساکنان اصلی و غلبه عملکردهای تجاری در سطح بافت تاریخی تهران منجر به کاهش سطح سرمایه اجتماعی ساکنان حال حاضر بافت این منطقه شده است (Yazdan Panah 2017). نظریه مهندسی اجتماعی بر پایه توجه به ابعاد اجتماعی نوسازی بافت‌های فرسوده و حضور و مشارکت مردم از ابتدا تا انتهای پروژه مطرح می‌شود و از نتایج آن به سرعت اجرا و کاهش موانع، رضایت ساکنین، اعتمادسازی، ارتباط مستمر بین مردم و مدیریت شهری می‌توان اشاره کرد (Adibzadeh, Asgari, Tafarshi, and Hosseini 2010).

۳. مبانی نظری

توسعه پایدار در عصر حاضر بیش‌تر از آن‌که به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی وابسته باشد به سرمایه اجتماعی وابسته است. این در حالیست که دیدگاه‌های سنتی مدیریت، به توسعه سرمایه اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی توجه دارد (Niazi and Shirazi 2010).

شکل ۱: ابعاد توسعه از دیدگاه مدیریت سنتی و نوین



ابعاد توسعه از دیدگاه مدیریت نوین

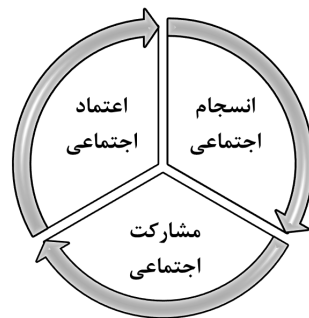
ابعاد توسعه از دیدگاه مدیریت سنتی

۳-۱- سرمایه اجتماعی

ارتقای اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی یک سرمایه باارزش تلقی شده و مشارکت و عضویت داوطلبانه مردم در سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌ها را در پی دارد. اینگلهارت^۲ سرمایه اجتماعی را همان اعتماد می‌داند (Quoted from Rose 1999). پاتنام سرمایه اجتماعی افزایش بهره‌وری در سازمان اجتماعی را به همراه دارد (Fukuyama 1995). سرمایه اجتماعی سه مؤلفه مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی را در بر می‌گیرد که در یک رابطه متعامل هرکدام تقویت‌کننده دیگری است.

پاتنام^۱ (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی را در آمریکا مورد بررسی قرار داد و آن را یکی از علل تفاوت پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد دانست. در مطالعات انجام‌شده در دانمارک سرمایه اجتماعی عاملی مؤثر در تعاون و مشارکت ذکر شده است (Sevendsen 2000) و در برگرنده متغیرهایی مانند مشارکت در جامعه محلی، اعتماد، انسجام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل و کانال‌های اطلاعاتی است (Kirtsotakis et al. 2011). بدون سرمایه اجتماعی، توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، امکان‌پذیر نیست.

شکل ۲: مولفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی



۳-۲- مشارکت اجتماعی

را در جهت تحقق اهداف و منافع مشترک خود انجام می‌دهند (Andalib 2009). مشارکت، همکاری و دخالت داوطلبانه مردم در ساخت و اخذ تمامی تصمیماتی است که به‌طور مستقیم در زندگی آن‌ها تأثیر دارد. شری ارنستاین^۳ مشارکت مردمی را قدرت شهروندی تعریف می‌کند (Arnstein 1969).

مشارکت مداخله افراد در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بوده و از ارکان مهم تجدید حیات شهری است (Khaniki 1998). مشارکت در تعریف عام مترادف با تعاون، همکاری، خودیاری و دگریاری و در تعریف امروزی، کنشی ارادی و هدفمند بوده که افراد در یک موقعیت خاص، عملی

جدول ۱: استخراج و دسته‌بندی مولفه‌های مشارکت مردمی

| معیارهای موثر در مشارکت | پژوهشگر |
|--|--|
| قدرت و توانمندی | آموزش و آگاهی |
| همکاری و دخالت داوطلبانه | همکاری و آگاهی |
| قدرت شهروندی | ارنشتاین، ۱۹۶۹ |
| تفویض قدرت و اختیار به شهروندان | گروه برنامه ریزی دانشگاه اوکلند، ۱۹۹۶ |
| غیر رسمی | داوطلبانه |
| فعالانه | هانتینگتون، ۱۹۹۱؛ اینگلپارت، ۲۰۰۰؛ پاتنام، ۲۰۰۰ |
| توجه به خواست و نیاز مردم | همکاری مردم (شفاف و قابل فهم) |
| سانوف، ۲۰۰۰ | پریسیکول، ۲۰۰۳ |
| رابطه دو طرفه | فرآیند |
| تمرین قدرت مردم | کالینورث و کیو، ۲۰۰۳ |
| دخالت مردم | فرآیند |
| کاوان، ۲۰۰۵ | فرآیند و آموزش و آگاهی به مردم |
| قدرت و اختیار مردم و توجه به نگرانی‌ها، ارزش‌ها و نیازهای مردم | دخالت مردم |
| کریتون، ۲۰۰۵ | تبادل اطلاعات |
| راو و فروور، ۲۰۰۵ | دخالت دادن مردم (برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری سازمان‌های مسئول سیاست‌گذاری) |
| همکاری مردم | آگاهی مردم |
| دخالت مردم | خانیکی، ۱۳۷۷ |
| نقش فعال مردم | فرآیند |
| هوویی‌زن ^۴ ، ۱۳۸۱ | هدف خاص |
| کمسیون اسکفینگتن هوویی‌زن، ۱۳۸۱ | منافع مشترک |
| عندلیب، ۱۳۸۷ | دخالت دادن مردم |
| ادیب‌زاده، ۱۳۸۹ | آگاهی بخشی |
| توانمندسازی | |

۳-۳- انواع مشارکت

- مشارکت تحمیل‌شده: دعوت به مشارکت از طریق برگزیدگان یا نخبگان و با استفاده از تکنیک‌های روانی-اجتماعی یا سازوکارهای فرهنگی بدون در نظر گرفتن نیازهای واقعی و انتظارات مشارکت‌کنندگان.

- مشارکت ابزاری: تأکید بر رفتار مشابه مردم و پیروی از یک الگو بر پایه همبستگی‌های فرهنگی و اجتماعی.

- مشارکت توسعه‌ای: فرآیندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چندبعدی و چندفرهنگی (Papli Yazdi and Ebrahimi 2006).

۳-۴- اشکال مشارکت اجتماعی (داوطلبانه)

مشارکت رسمی (نهادی) شامل عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها، باشگاه‌ها و غیره با فعالیت برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است و مشارکت غیررسمی در

برگیرنده دو نوع است:

الف- درگیری اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم (همکاری با خیریه‌ها در جهت کمک به محرومین و افراد خاص)

ب- مشارکت پایدار شامل مشارکت قاعده‌مند و نسبتاً دائمی است (راهپیمایی، نماز جمعه و جماعت، سوگواری و جشن‌ها).

در طول تاریخ ایران مشارکت‌های غیررسمی با قدمتی دیرینه همواره بر مشارکت‌های رسمی و نهادمند برتری داشته و با وجود تحولات و دگرگونی‌های صد سال اخیر، هنوز هم در جامعه ایران در قالب برگزاری مراسم مذهبی و ایام خاص، ساخت مساجد و حسینیه‌ها، کمک در عروسی‌ها، جشن‌ها، سوگ‌ها و غیره مشهود است (Nowrozi and Bakhtiari 2009).

جدول ۲: ارائه خلاصه و جمع‌بندی سطوح و مراحل مشارکت عمومی

| نردبان مشارکت | بسته مشارکت | گستره دو سطحی | گردونه مشارکت | زنجیره مشارکت | گستره چهار سطحی | حلقه مشارکت | گستره پنج سطحی | مهندسی اجتماعی |
|-----------------|---------------------------|-----------------------|---------------|----------------------|-------------------------------------|------------------|-----------------|-------------------------------------|
| Arnstein (۱۹۶۹) | Hampton (۱۹۷۷) | Deshler & Sock (۱۹۸۵) | Smison (۱۹۹۸) | مردمی (Smith) (۲۰۰۳) | Priscoli (۲۰۰۳) | Creighton (۲۰۰۵) | IAP2 (۲۰۰۶) | (ادیب‌زاده ۱۳۸۹) |
| فریب‌کاری | درمان | مطیع‌سازی | | | | | | |
| اطلاع‌رسانی | انتشار اطلاعات | آگاه‌رسانی | اطلاع‌رسانی | تبادل اطلاعات | دانش در مورد تصمیمات | آگاه‌رسانی | آگاه‌رسانی | آگاه‌بخشی |
| مشاوره | دریافت بازخوردها | ادراک | مشاوره | مشاوره | شنیدن نظرات پیش از تصمیمات | گوش دادن به مردم | مشورت | شناسایی و همکاری گروه‌های فعال محلی |
| شراکت | تعامل مردم و برنامه‌ریزان | تصمیم‌سازی | همکاری کردن | مشارکت | تأثیرگذاری بر تصمیمات | درگیر کردن مردم | درگیر کردن مردم | درگیر کردن مردم |
| قدرت تفویضی | قدرت | اجرا | | تعهد/گفتگو | تصمیمات مشارکتی و موافقت با تصمیمات | توافق عمومی | همکاری با مردم | همکاری با مردم |
| اختیار شهروندان | اختیار | نظارت شهروندی | مقتدرسازی | قدرت شراکتی | توانمندسازی | توانمندسازی | توانمندسازی | توانمندسازی |

نتایج مطالعات اندیشمندان نشان می‌دهد انسجام، حاصل اشتراکات و توافق در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌هاست. وجود حداقلی وحدت در زمینه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی زمینه‌ساز هم‌نوایی و مشارکت بین افراد جامعه می‌شود.

۳-۵- انسجام و همبستگی اجتماعی

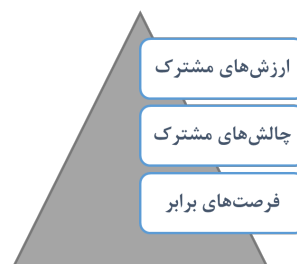
مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی دارای رابطه متعامل بوده و یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت، قابلیت و ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است (Chalabi 1993).

جدول ۳: استخراج و دسته‌بندی مولفه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی

| اهداف و منافع مشترک | پژوهشگر |
|--|---|
| فرصت‌های برابر | فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین پترز، ۲۰۰۹ |
| چالش‌های مشترک (کمبودها) | دورکیم، ۱۸۹۳ |
| ارزش‌های مشترک | کرنز و فارست، ۲۰۰۰ |
| توافق افکار، احساسات و اعمال | ژانوت، ۲۰۰۰ |
| احساسات، باورها و ارزش‌های مشترک میان افراد جامعه | جنسون، ۱۹۹۸؛ اسپونلی و همکاران، ۲۰۰۵ |
| ارزش‌های مشترک، اصول اخلاقی و رفتاری مشترک | چان و همکاران، ۲۰۰۶ |
| احساس مشترک و اشتراک‌گذاری | مجموعه‌ای از نگرش‌ها شامل اعتماد، حس تعلق و تمایل به مشارکت و کمک |
| امکان استفاده همه اقشار جامعه از قبیل زن و مرد، پیر و جوان و معلول و غیر معلول در هر زمان از فضای همه‌شمول | |

| پژوهشگر | ارزش‌های مشترک | چالش‌های مشترک (کمبودها) | اهداف و منافع مشترک | فرصت‌های برابر |
|--|--|---|---|--|
| کالینز، ۱۹۸۵؛ دوریان و فرارو، ۱۹۹۹؛ رز و همکاران، ۲۰۱۰ | تعلق خاطر و وفاداری به رفتارهای آیینی و نهادی مشترک | | | توزیع عادلانه کالاهای جامعه و رفتار منصفانه با افراد |
| رز و همکاران ۲۰۱۰؛ دیکز ۲۰۱۱؛ برتلزمن و استیفانگ، ۲۰۱۲ | | | | |
| شبکه همبستگی اجتماعی کانادا | فرآیند مداوم توسعه و رشد ارزش‌های مشترک | فرآیند مداوم توسعه و رشد چالش‌های مشترک | فرآیند مداوم توسعه و رشد فرصت‌های برابر | |
| بیرو، ۱۳۸۰ | ارزش‌های اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی مشترک | | | |
| کوزر، ۱۳۸۳ | | | | فردگرایی و نابرابری‌های ساختاری |
| باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴ | افزایش آگاهی فردی و جمعی، مشارکت ارادی، باور کردن مردم، بسیج منافع و خدمت صادقانه به مردم | | | |
| روانبخش، ۱۳۸۶ | روابط عاطفی | | | |
| رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۳ | | | | میزان درک و احساس پاسخ‌گویی از سطح محرومیت خود در مقایسه با دیگران |
| یارمحمد توسکی، ۱۳۹۴ | حس تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی شهری، درونی کردن ارزش‌های مشارکت | حفظ امنیت فضاهای خصوصی در کنار گسترش فضاهای عمومی شهری و ساماندهی محله‌های شهری | | رعایت حقوق شهروندی |
| اتابکی، ۱۳۹۵ | | | | نوع هویت اجتماعی و مهاجرپذیری |
| خسروی و همکاران، ۱۳۹۵ | | احساس امنیت ساکنان | | |
| عبداله زاده فرد، ۱۳۹۵ | همکاری و همیاری، وجدان جمعی، قرارداد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی | | | ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها |
| ادیب‌زاده، ۱۳۹۴ | ارزش‌های قومی و دینی/ باورهای ملی و مذهبی | شهروند درجه دوم | | کسب منزلت اجتماعی و حقوق شهروندی |

شکل ۳: مولفه‌های انسجام و همبستگی اجتماعی



و پیوند شهروندان با نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آنها هستند می‌شود (Alwani and Danai Fard 2001).

۳-۶- اعتماد اجتماعی

اعتماد سبب ایجاد و حفظ وحدت در سیستم‌های اجتماعی

می‌دهد موضوع اعتماد اجتماعی در برگیرنده مولفه‌هایی نظیر پیشینه تاریخی و فرهنگی، ارتباط مستمر و زندگی گروهی، ثبات و بی‌ثباتی نظام اجتماعی می‌باشد.

صاحب‌نظران بسیاری از جمله میزتال^۵، افه^۶، پاتنام، اینگلهارت، کلمن^۷، فرانسیس فوکویاما^۸، آنتونی گیدنز^۹ و پیوتر زتومکا^{۱۰} در چند دهه اخیر به بحث اعتماد، الزامات و پیامدهای آن پرداخته‌اند که نتایج مطالعات آن‌ها نشان

جدول ۴: استخراج و دسته‌بندی مولفه‌های اعتماد اجتماعی

| مولفه‌های اعتماد در نظام اجتماعی | | پژوهشگر |
|----------------------------------|---------------------------------|---|
| ثبات و بی‌ثباتی جامعه | ارتباط مستمر و زندگی گروهی | پیشینه تاریخی و فرهنگی |
| تکیه به گفتار، و وعده‌ها | | فرآیند وابسته به تاریخ |
| تعهد | روابط | روتر، ۱۹۸۰ |
| باور قوی به صداقت و توان دیگران | | والری، ۱۹۹۹ |
| | | لیون، ۲۰۰۲ |
| اطمینان به دیگران | مبنای اعتماد، ارتباط است. | میزتال، ۱۹۹۶ |
| نظم | شناخت و ارتباط نزدیک | حاصل تجربیات تاریخی و تجربیات مشترک، الگوهای ذهنی، فرهنگی و ساختاری مشترک |
| | | زتومکا، ۱۳۸۴ |
| عدم خودخواهی و فرصت‌طلبی | فرضیه شناختی در تعامل با دیگران | افه، ۱۳۸۹ |
| پیش‌بینی آینده | | لومن، ۱۹۷۹ |
| پیش‌بینی آینده | | اینگلهارت، ۱۳۷۳ |
| پیش‌بینی آینده ریسک خطر | | کلمن، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۶ |
| | اعتماد حاصل زندگی گروهی | پاتنام، ۱۹۹۵ |
| | | موسوی، ۱۳۸۱ |
| | | خلقیات، روحیات مردم و خرده‌فرهنگ‌ها در طول تاریخ |
| | شبکه‌ها و روابط اجتماعی | اونستون، ۲۰۰۱ |
| | همکاری و مشارکت | امیر کافی، ۱۳۸۰ |
| | روابط خویشی گروه‌ها و نژادها | گیدنز، ۱۳۸۰ |

اعتماد اجتماعی در افراد جامعه می‌باشد (Abdol Maleki 2008). هر چه افراد، جامعه را باثبات‌تر، به‌هنگارتر و رفتار نهادها با مردم را شفاف‌تر و صادقانه‌تر بدانند اعتماد بالاتری خواهند داشت (Abdol Maleki 2008). پژوهشگران با در نظر گرفتن دو رویکرد خرد و کلان به اعتماد، آن را به سه نوع اعتماد میان فردی یا بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی تقسیم نمودند: ۱. اعتماد بین شخصی (اعتماد به خودی‌ها): زتومکا اعتماد بین شخصی را اعتماد به افرادی می‌داند که مشخصاً آن‌ها را می‌شناسیم و رابطه‌ی چهره به چهره با آنان داریم مانند دوستان، همسایه‌ها و همکاران (Razavi Al-Hashem).

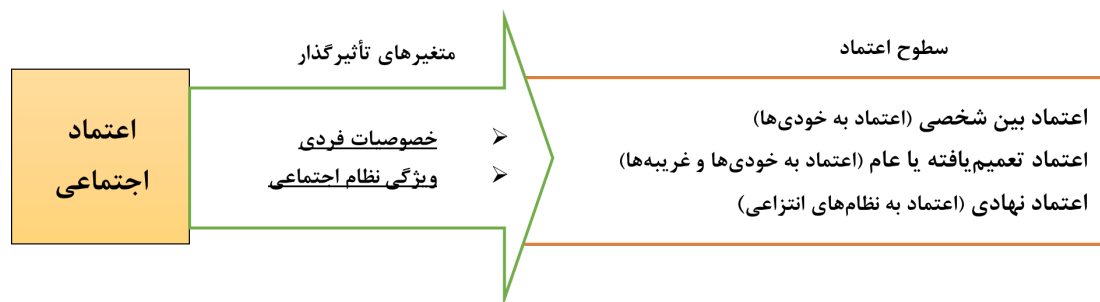
از نگاه صاحب‌نظران دو رویکرد کلی به اعتماد مطرح می‌باشد:

۱. رویکرد خرد: اعتماد یک ویژگی یا خصوصیت فردی بوده و متأثر از ویژگی‌ها و رفتارهای فردی مانند تحصیلات، طبقه اجتماعی، درآمد، سن، جنس، احساس موفقیت، احساس رضایت و نظایر آن می‌باشد.
۲. رویکرد کلان: دومین دیدگاه، تأثیر ویژگی شخصیتی افراد در اعتماد را ناچیز دانسته و اعتماد افراد به دیگران را متأثر از ارزیابی آنان از قابل‌اعتماد بودن محیط اطرافشان می‌داند. ثبات بالای نظام اجتماعی و رعایت هنجارها و قواعد اجتماعی از سوی دیگران زمینه‌ساز شکل‌گیری

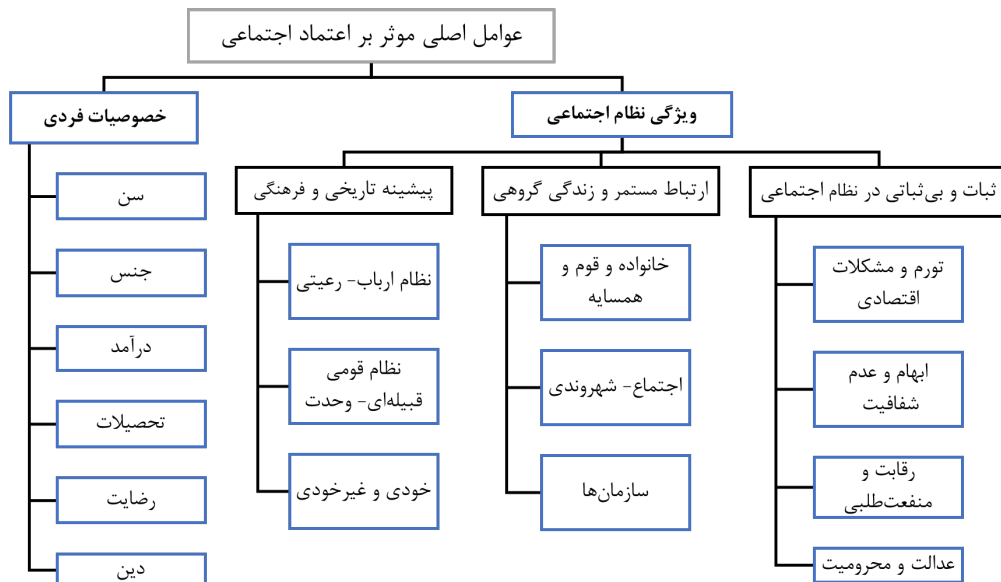
و نژادهای مختلف در سطحی گسترده‌تر از روابط خویشی با یکدیگر برخورد می‌کنند (Giddens 2001).
 ۳. اعتماد نهادی (اعتماد به نظام‌های انتزاعی): اعتماد نهادی، اعتماد به نهادها و سازمان‌ها، نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، بنگاه‌های اقتصادی، شهرداری و مانند آن است و میزان آن در بین جوامع متفاوت است و به‌مرور زمان دستخوش تغییر می‌شود (Sztompka 2006). گیدنز، این نوع اعتماد را اعتماد به نظام‌های انتزاعی و مختص جوامع مدرن می‌داند (Giddens 2001).

وید استون^{۱۱}، این نوع اعتماد را اعتماد خانوادگی یاد کرده است که همسر، والدین، دوستان و همسایگان را در بر می‌گیرد (Onston 2001).
 ۲. اعتماد تعمیم‌یافته یا عام (اعتماد به خودی‌ها و غریبه‌ها): اعتماد تعمیم‌یافته با شعاعی گسترده‌تر وقتی مطرح می‌شود که از حوزه خانواده و همسایگی بیرون می‌رویم و با نهادهای عمومی و اصناف و گروه‌هایی که با ما فاصله دارند، رابطه برقرار می‌کنیم. اعتماد تعمیم‌یافته در جوامع پیچیده و مدرن امروزی لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است (Amirkafi 2001) که از گروه‌ها

شکل ۴: سطوح اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن



شکل ۵: مولفه‌های اعتماد اجتماعی



برنامه‌ریزان شهری را در پی داشته است (Pirouz 1992). در ایران به دلایل تاریخی، اجتماعی و روان‌شناختی، ساخت قدرت به عنوان رابطه‌ی عمودی و آمرانه از بالا به پایین میان حکام و مردم (Bashiriyah 1999) و شکل‌گیری ساختار اجتماعی دو قشری (ارباب و رعیت) بر پایه تداوم و تثبیت دو عنصر زور و پذیرش زور در طول تاریخ ایران،

مطالعات تاریخی و فرهنگی، در جوامع ایران نشان می‌دهد ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی و خصوصی، سخت مشارکت‌جو بوده‌اند، لیکن در عرصه‌های رسمی، مشارکت‌جو نیستند. کاربرد الگوهای تجربی جوامع پیشرفته علی‌رغم وجود تضاد با فرهنگ و مقتضیات اجتماعی فرهنگی جامعه ایران، ناکامی پروژه‌های عملی

و جنبش‌ها و جنگ‌های داخلی، کوچ، کاروان و راهزنی‌ها، از مهم‌ترین عوامل عدم اعتماد مردم به غریبه‌ها، بیگانگان و حکومت و شکل‌گیری فرهنگ خودی و غیرخودی، غریبه و آشنا در طول تاریخ ایران می‌باشد. این در حالی است که در طول تاریخ جوامع ایران، نظام‌های غیررسمی پایدار مانند نظام ریش‌سفیدی و کدخدامنشی، پهلوانی، فتوت جهت رفع مشکلات و اختلافات بین قومیت‌ها و رفع اختلافات و میانجی‌گری در سیستم ارباب-رعیتی و حکومتی همواره پابرجا بوده است.

آن‌چنان نهادینه شده است که با شکل‌گیری ساختار اجتماعی سه قشری و پیدایش قشر متوسط، این خصلت همچنان پابرجا و مستحکم مانده است (Rafipour 1998). تاریخ نشان می‌دهد ایرانیان همواره نسبت به حکومت، ارباب‌ها و همچنین بیگانگان بدبین و بی‌اعتماد بوده‌اند. موانع اقلیمی و جغرافیایی، موانع تاریخی، موانع اجتماعی و موانع فکری و فرهنگی و شخصیتی از قبیل پراکندگی اجتماعات در ایران، پیدایش نظام ایلی و چادرنشینی، شکل‌گیری نظام‌های قومی-قبیله‌ای، ستیز و نزاع گروه‌ها

جدول ۵: نظام‌های غیررسمی پایدار در جامعه سنتی ایران

| نظام‌های غیر رسمی پایدار در جامعه سنتی ایران | | | | |
|--|--------------------|---------------------|--|----------------------|
| نظام خانوادگی | نظام قومی-قبیله‌ای | نظام محله‌ای/معتدلی | نظام ریش‌سفیدی/پهلوانی/آیین جوانمردی/مردم‌سالاری | نظام پیشوایی/مقتدایی |
| | | | | نظام استاد شاگردی |

۴. روش تحقیق

روش‌شناسی این پژوهش بر پایه پژوهش‌های کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی و بر حسب هدف کاربردی می‌باشد. در بخش توصیفی داده‌های پژوهش از یک طرف حاصل مطالعات و پژوهش‌های صاحب‌نظران داخلی و خارجی، مشاوره با اساتید و از طرف دیگر حاصل تجربه اجرایی نگارندگان و حضور در بافت‌های تاریخی و برخورد مستقیم با جامعه هدف می‌باشد.

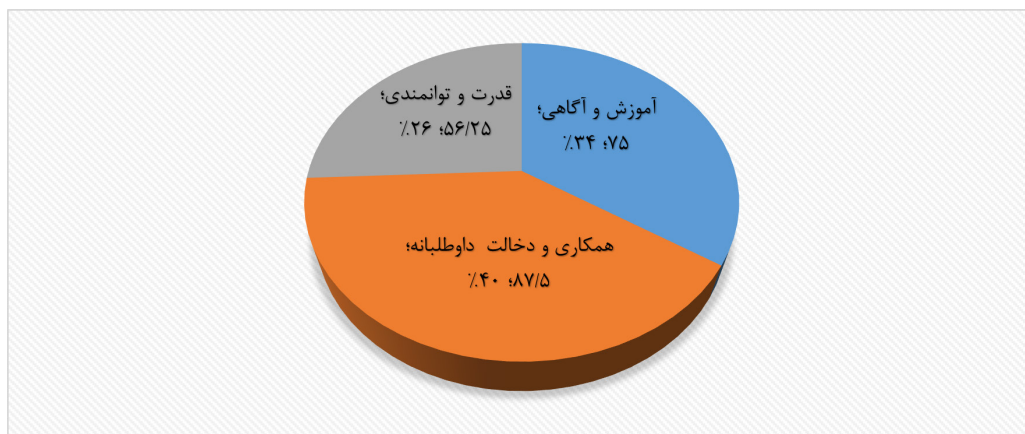
پارادایم فلسفی این پژوهش مبتنی بر معرفت‌شناسی تفسیری می‌باشد. در این پژوهش به روش قیاسی و حرکت از کل به جزء و مبتنی بر روش فراترکیب مطالعات مرتبط، متغیرهای موضوع سرمایه اجتماعی و مولفه‌های موثر بر آن‌ها استخراج، دسته‌بندی، وزن‌دهی شد. سپس در جهت تقویت این مولفه‌ها و بر اساس فرهنگ بومی

محلات تاریخی ایران، چارچوب نظری مدل پیشنهادی به روش استقرایی و حرکت از جزء به کل طراحی شد.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

با استناد به مطالعات انجام‌شده در مبنای نظری پژوهش، از بین نتایج پژوهش صاحب‌نظران داخلی و خارجی، مولفه‌های موثر بر متغیرهای سرمایه اجتماعی استخراج و وزن‌دهی شد. بر این اساس از بین تعداد ۱۶ صاحب‌نظر داخلی و خارجی مولفه‌های همکاری و دخالت داوطلبانه مردم در امور مربوط به محله، آموزش و آگاهی مردم در زمینه حقوق و وظایف شهروندی، قدرت و توانمندی مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مداخلات در محلات تاریخی، به ترتیب اولویت، سه مولفه موثر در متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان است.

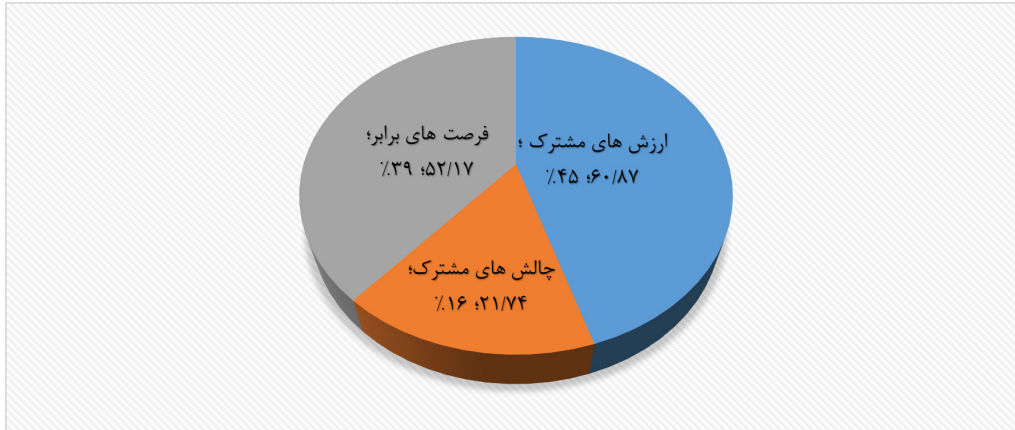
شکل ۶: وزن‌دهی معیارهای موثر بر مشارکت اجتماعی



از بین ۲۳ صاحب‌نظر داخلی و خارجی، مولفه‌های ارزش‌های قومی، ملی، مذهبی، سیاسی و غیره مشترک،

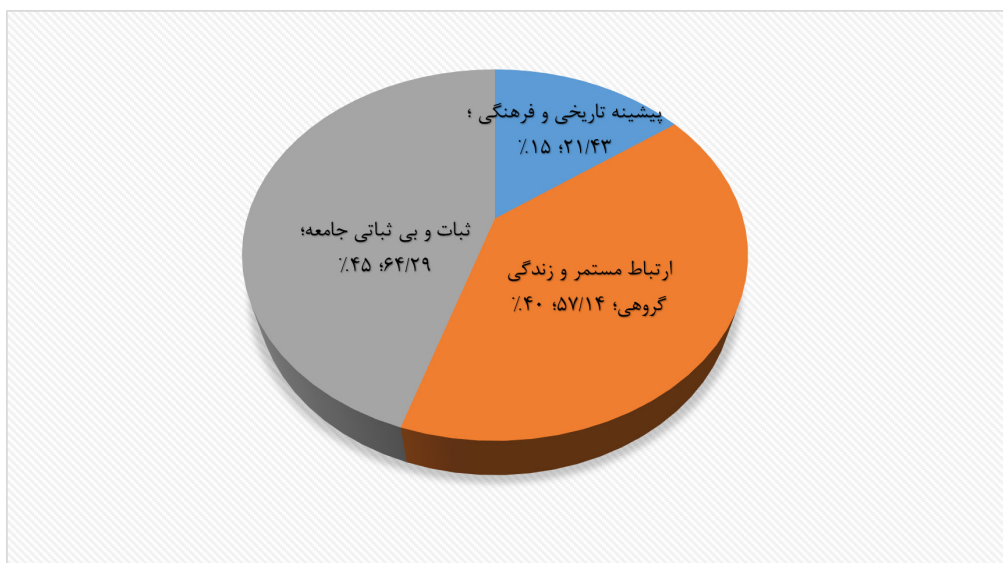
فرصت‌های برابر و میزان عدالت بین شهروندان، چالش‌های مشترک در زمینه کمبودها و محرومیت‌های ساکنین
 محلات تاریخی به ترتیب اولویت، سه مولفه موثر بر متغیر انسجام و همبستگی اجتماعی شهروندان است.

شکل ۷: وزن‌دهی معیارهای موثر بر انسجام اجتماعی

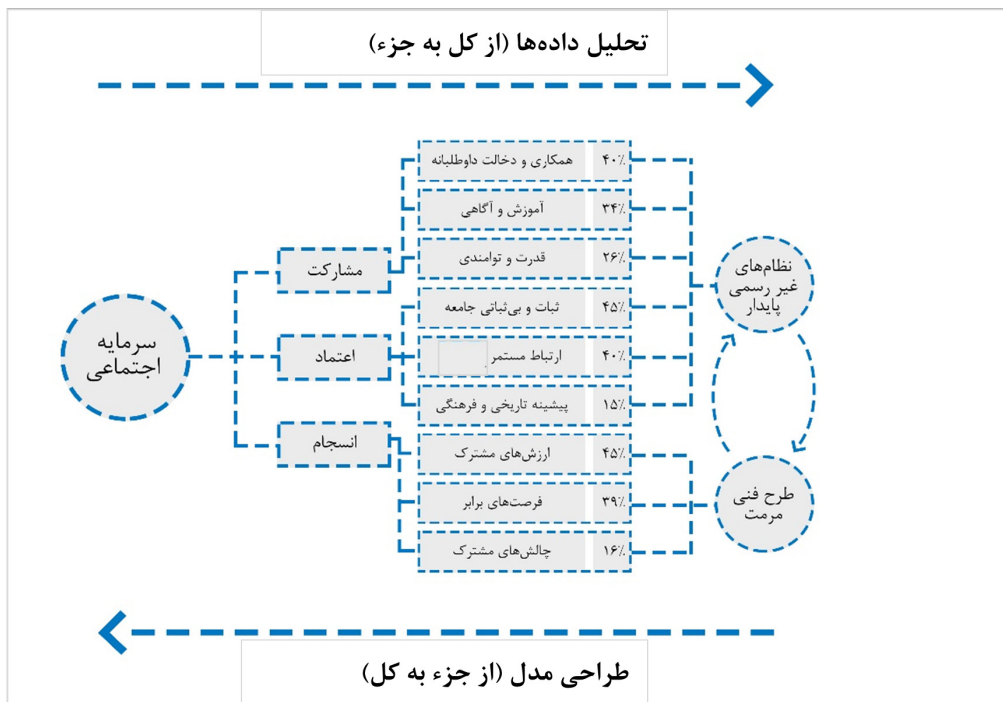


از بین ۱۴ صاحب‌نظر داخلی و خارجی، مولفه‌های ثابت و بی‌ثباتی در جامعه و نوسانات اقتصادی و اختلافات سیاسی، ارتباط مستمر بین ساکنین و میزان تعاملات اجتماعی آن‌ها، پیشینه تاریخی و فرهنگ اجتماعی-سیاسی ساکنین محلات تاریخی، به ترتیب اولویت، سه مولفه موثر بر متغیر اعتماد اجتماعی شهروندان است.

شکل ۸: وزن‌دهی معیارهای موثر بر اعتماد اجتماعی



شکل ۹: روند تحلیل داده‌ها و روند طراحی مدل تقویت سرمایه اجتماعی



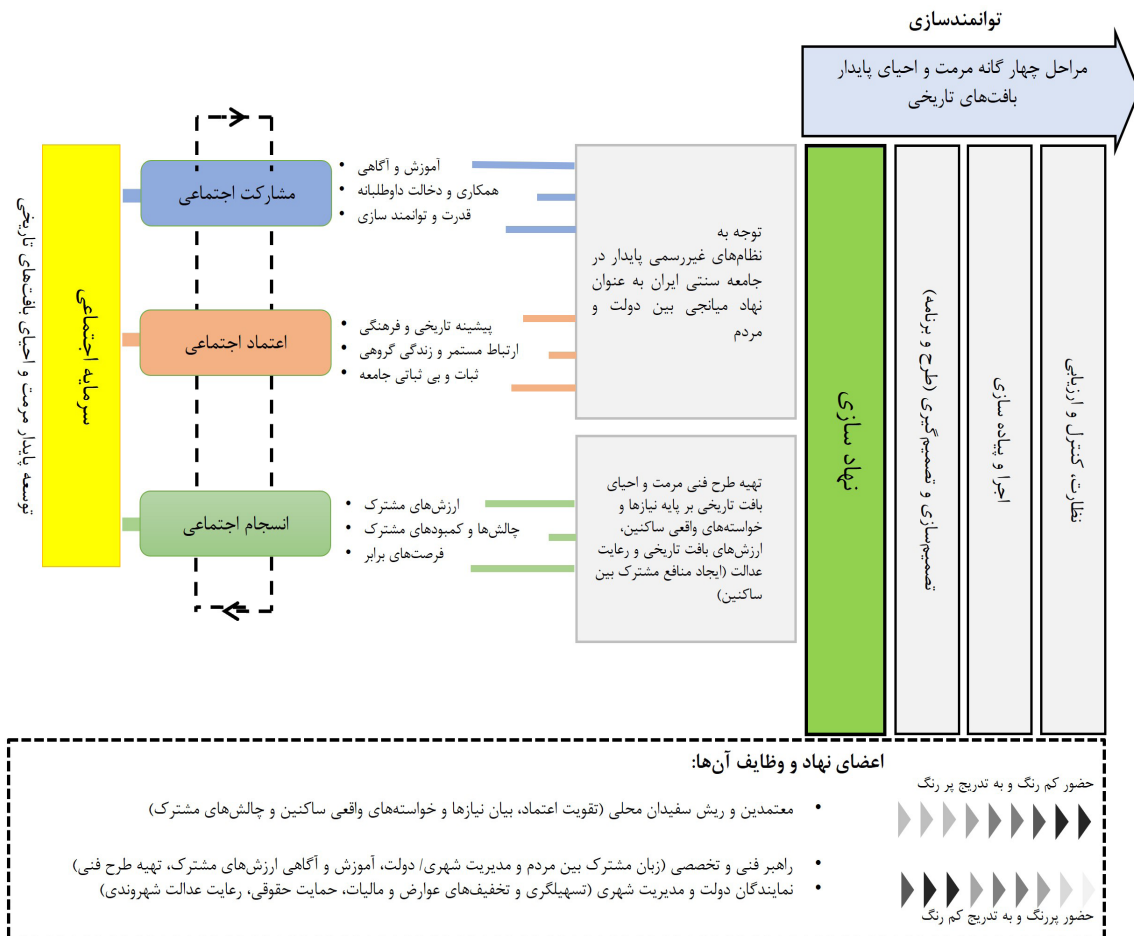
۶. یافته‌ها

مدیره‌ای) و تقویت مولفه‌های متغیر انسجام اجتماعی بر پایه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مبتنی بر نیازها و خواسته‌های واقعی ساکنین محلات تاریخی و نظارت، ارزیابی و کنترل بر اجرای این تصمیمات امکان‌پذیر است. پایه و اساس این مدل، حضور و مشارکت واقعی و داوطلبانه مردم در مرمت و احیای محلات تاریخی از طریق توانمندسازی مردم و تفویض قدرت از نهادهای رسمی (دولت) به نهادهای غیررسمی (مردمی) است. این مدل تحت عنوان مدل مفهومی توانمندسازی معرفی می‌گردد.

توسعه پایدار مرمت و احیای بافت‌های تاریخی ایران در گرو توسعه پایدار سرمایه اجتماعی محلات تاریخی می‌باشد و از آنجا که سرمایه اجتماعی تحت تأثیر مستقیم سه متغیر مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی است، مدل مفهومی پیشنهادی در مرمت و احیای بافت‌های تاریخی بر پایه تقویت سه متغیر اشاره شده استوار می‌باشد.

در این مدل تقویت مولفه‌های دو متغیر مشارکت و اعتماد اجتماعی بر پایه نظام‌های غیررسمی پایدار در جوامع سنتی ایران (نظام ریش‌سفیدی، کدخدامنشی و هیأت

شکل ۱۰: مدل مفهومی توانمندسازی در مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی



اجتماعی به دلایل زمینه‌ای (فرهنگ و تعاملات اجتماعی جوامع ایران) با ایجاد نهادی میانجی (از نوع نظام‌های غیررسمی پایدار در جامعه سنتی ایران) بین نهادهای رسمی (دولت) و مردم امکان‌پذیر می‌باشد. این نهاد تحت عنوان نهاد توسعه محلی از یک طرف متشکل از معتمدین (ریش‌سفیدان، بزرگان و افراد تاثیرگذار جامعه محلی) و راهبر فنی و تخصصی (نخبگان ملی و محلی، اساتید دانشگاه و متخصصین حوزه مرمت و احیای بافت‌های تاریخی) به عنوان تصمیم‌ساز و از طرف دیگر متشکل از نمایندگان از نهادهای رسمی به عنوان تسهیل‌گر می‌باشد.

حضور مستمر در محله و ارتباط با مردم و قابل دسترس بودن اعضای تشکیل‌دهنده این نهاد (جهت تقویت حس اعتماد) از مهم‌ترین نکات قابل توجه در این مدل است. طرح و برنامه مرمت و احیای بافت‌های تاریخی: مهم‌ترین رکن مدل مفهومی توانمندسازی، تهیه طرح مرمت و احیای بافت تاریخی محله هدف می‌باشد و راه‌اندازی نهاد توسعه محلی در جهت نیل به این مهم تعریف شده است. طرح مذکور باید در جهت تقویت انسجام و اعتماد اجتماعی و برخاسته از ارزش‌های مشترک، چالش‌های

مدل ارائه شده کاملاً منطبق بر نظام مدیریت محلی در فرهنگ ایرانی بوده و با توجه به عدم اعتماد به نهادهای رسمی و بی‌ثباتی مدیریتی در جوامع ایران، ضرورت تأسیس تشکلهای غیردولتی به‌عنوان نهادهایی توانمند در تحقق الگوی مشارکت اجتماعی، در قالب شهروند مقتدر و حلقه واسط بین حکومت و مردم تا شعاع حضور در صحنه‌های زنده اجتماعی و سیاسی جامعه (حکمرمایی شهری)، از ارکان اصلی آن بوده که در قالب این نهاد مردمی، انسجام اجتماعی با تأکید بر اشتراکات و رعایت عدالت در طرح‌های مرمت و احیای بافت‌های تاریخی تقویت می‌شود.

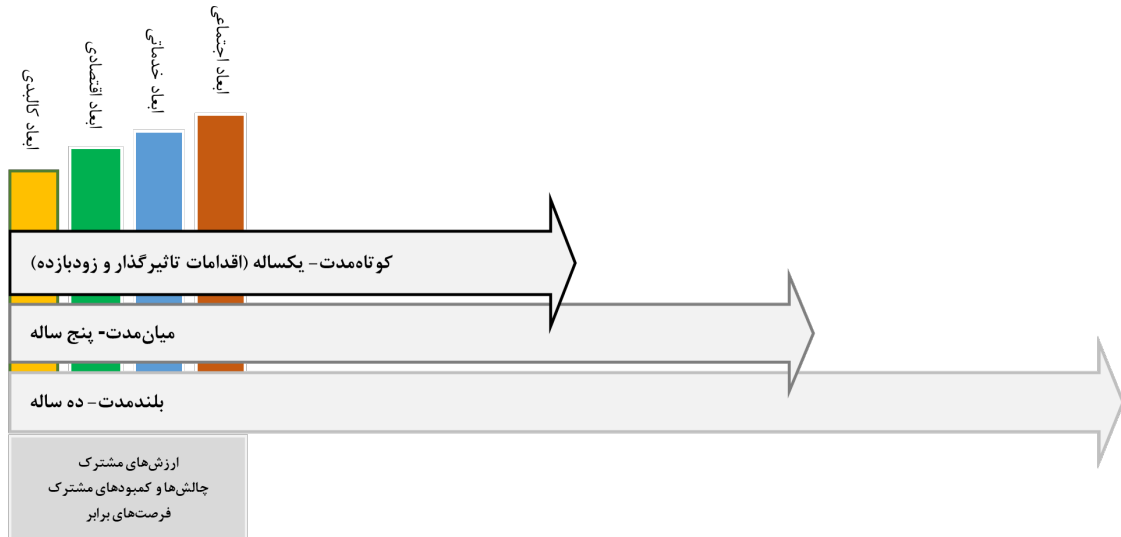
۷. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین موضوع احیای بافت‌های تاریخی، حیات اجتماعی و توسعه سرمایه اجتماعی پایدار در این محلات می‌باشد و در نتیجه آن علاوه بر مرمت و حفظ کالبد بافت تاریخی، نگهداری و حفاظت آن نیز توسط مردم انجام می‌شود. تقویت مدیریت محلی بر اساس مدل توانمندسازی، نیازمند تشریح و دسته‌بندی مراحل اجرای آن می‌باشد. نهاد میانجی بین دولت و مردم: در این مدل تقویت اعتماد

فنی و مهندسی در نهاد توسعه محلی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شود. این طرح ملاک عمل اقدامات آتی در محله بوده که نظارت، کنترل، ارزیابی و اجرای آن بر عهده نهاد توسعه محلی می‌باشد.

مشترک و فرصت‌های برابر - از طریق مطالعه و شناخت کامل زمینه (ابعاد اجتماعی، خدماتی، اقتصادی و کالبدی)، تبادل اطلاعات (آموزش و آگاهی و دریافت بازخوردها) - و در قالب اهداف و راهبردها، برنامه‌ها و نقشه‌های

شکل ۱۱: چارچوب کلی طرح و برنامه مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی - تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری



تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. Putnam, R. D.
2. Inglehart
3. Arnstein, S. R.
4. Huizen
5. Misztal
6. Offe Claus
7. Coleman
8. Fukuyama
9. Giddens
10. Sztompka
11. Onston

فهرست منابع

- Abdollahzadeh Fard. 2016. The role of public participation in the design of the urban square. *the international sustainability congress in contemporary architecture and urban planning of the Middle East*. [in Persian]
- Abdol Maleki, Ahmad. 2008. Investigating social trust and the factors affecting its and how the role of the media in increasing its. *Research and Analysis Journal* (15). [in Persian]
- Adibzadeh, Bahman. 2015. *Models for Renovation: An introduction to the positive and fruitful experiences of collaborative renovation of Razandishan-e-Omran Consulting Engineers Company*. Shahr-e-tehran Publishing. [in Persian]
- Adibzadeh, Bahman, Haditha Asgari Tafarshi, and Seyed Ebrahim Hosseini. 2010. "Social Engineering" and the Role of People's Participation in Realization of Renovation in Dilapidated Urban Contexts, Case Example: Nemat Abad Neighborhood, District 19, Tehran. *Architecture and Urban Development Letter* 2(4): 141-158. [in Persian]
- Alwani, Seyyed Mehdi, and Hassan Danai Fard. 2001. public administration and public trust. *Danesh Manzar magazine* 14(55). <https://www.sid.ir/paper/424251/fa>. [in Persian]
- Amir Ahmadi, Rahmatullah, Mehrdad Navabakhsh, and Habib ollah Zanjani. 2016. Investigating the role of social-cultural capital on citizens' participation in the renovation of dilapidated urban structures (case study: Mashhad city). *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological* 5(8): 123-143. https://csr.basu.ac.ir/article_1649.html. [in Persian]
- Amirkafi, Mehdi. 2001. Social trust and its influencing factors. *Research Profile Magazine* 18. <https://www.sid.ir/paper/424364/fa>. [in Persian]
- Andalib, Alireza. 2009. *A collection of notes on the renovation of worn-out tissues*. Tehran: Raypour Publishing. [in Persian]
- Andalib, Alireza, Mohammad Massoud, and Sougand Yousefi Azar. 2013. The effect of the development of the city of Tehran on the expansion of worn-out tissues (problems and bottlenecks of Haft Chenar-Brianak neighborhood from the aspect of the expansion of worn-out tissues). *Bagh Nazar* 30(11): 3-14. <https://www.sid.ir/paper/125611/fa>. [in Persian]
- Arnstein, S. R. 1969. A Ladder of Citizen Participation. *JAIPI* 35(4): 224-216.
- Atabaki, Javad. 2016. Investigating the diversity of social identities in the city of Kashan and the threatening factors of social solidarity at the neighborhood level. *the second international conference on architecture, civil engineering and urban planning at the beginning of the third millennium*. <https://civilica.com/doc/532043/>. [in Persian]
- Baghi Nasrabadi, Ali. 2012. Social solidarity and public participation (views, strengthening factors, threats and solutions). [in Persian]
- Bashiriyah, Hossein. 1999. *Civil Society and Political Development in Iran*. Tehran: New Sciences Publishing Institute. [in Persian]
- Birou, Alain. 2001. Culture of social sciences. Translated by Baqer Sarukhani. published by Kayhan. [in Persian]
- Chalabi, Masoud. 1993. Social agreement. *Social Sciences Quarterly* (3). https://jnoe.ut.ac.ir/article_15545.html. [in Persian]
- Chan, J., H. To, and E. Chan. 2006. Reconsidering social cohesion: Developing a definition and analytical framework for empirical research. *Social Indicators Research* 75: 273-302.
- Cowan, R. 2005. *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire: Streetwise Press.
- Coleman, Jim. 1998. *Foundations of social theory*. Translated by Manouchehr Sabouri. Nay publication. [in Persian]
- Coser, Lewis. 2003. *The life and thought of great sociologist*. Translated by Mohsen salasi. Scientific Publications. [in Persian]
- Creighton, J. L. 2005. *The Public Participation Handbook: Making Better Decisions through Citizen Involvement*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Cullingworth, B., and R. W. Caves. 2003. *Planning in the USA: Policies, Issues & Processes*. New York: Routledge.
- Davidson, S. 1998. Spinning the wheel of Empowerment. *Planning* 1262: 14-15.
- Department of Planning, the University of Auckland. 1996. Public Participation & Consultation within the RMA Department of Planning. Retrieved July 20, 2010, from <http://www.qualityplanning.org.nz/pubs/3272.pdf>
- Deshler, D., and D. Sock. 1985. Community Development Participation: a Concept Review of the International Literature. *Paper Presented at the International League for Social Commitment in Adult Education, Ljungskile, Sweden*.
- Fukuyama, F. 1995. *Trust: the social virtues and the creation of prosperity*. London: Hamish Hamilton.

- Ghaffari, Gholamreza. 2003. *Social trust in Iran*. publications of the Ministry of Islamic Culture and Guidance. [in Persian]
- Giddens, Anthony. 2001. *Consequences of modernity*. Translated by Mohsen salasi. Center Publications. [in Persian]
- Habibi, Seyyed Mohsen, and Maleche Maqsoodi. 2008. *Urban restoration: definitions, theories, experiences, international charters and resolutions, urban methods and measures*. Tehran University Publications. [in Persian]
- Hampton, W. 1977. Research into Public Participation in Structure Planning. In *Public Participation in Planning*, edited by W. R. Derrick Sewell, & J. T. Coppock. London: John Wiley & Sons Ltd
- Inglehart, Ronald. 1994. *Cultural transformation in advanced industrial society*. Translated by Maryam Veter. Kavir Publications. [in Persian]
- Jeannotte, M. S. 2000. Social cohesion around the world: an international comparison of definitions and issues, Paper SRA-309, Strategic Research and Analysis Directorate, Department of Canadian Heritage, Ottawa.
- Kearns, A., and R. Forrest. 2000. Social cohesion and multilevel urban governance. *Urban Studies* 37(5/6): 995-1017.
- Khaniki, Hadi. 1998. Culture of participation and its solutions in universities. *Research and planning quarterly in higher education* (17). [in Persian]
- Khosravi, Yalda, Masoumeh Hedayati Marzbali, and Javad Maqsoodbeigi. 2016. Evaluating the effect of attendance and social solidarity in order to improve place security in residential environments, case study: Amol. In the *National Conference of applied Researches in the New Horizons of Civil Engineering and Architecture, Bushehr*. [in Persian]
- Kirtošakis, George, Maria Vassilaki, Leda Chatzi, Vagggelis Georgiou, Anastassios E. Philalithis, Manolisko Gevinas, and Antonis Koutis. 2011. Meternal social capital and birtj outcome in the mothe- child cohort in crete, Greece (rhea study). *Social science* 73: 1653-1660.
- Luman, N. 1979. *Trust and Power*. Johnwiely New York.
- Lyon, Fergus. 2002. Trust, Network and norms: The Creation of Social Capital in Agricultural Economic in Ghana. *World Development* 28: 663-689.
- Misztal, Barbara. 1996. *Trust in Modern Societies*. Cambridge: press.
- Moradi, Fatemeh, Saideh Zahra Sadat Zarabadi, and Hamid Majdi. 2019. Analyzing the principles of culture-based urban regeneration with the superior selection of competitiveness. *Bagh Nazar* 16(70): 5-16. https://www.bagh-sj.com/article_84923.html. [in Persian]
- Morovvati, Nader, and Gholamreza Latifi. 2008. Investigating social factors affecting the desire of residents of worn-out tissues to renovate (case study: Imamzadeh Abdullah neighborhood, Tehran). *Planning Welfare and social development*. <https://www.sid.ir/paper/157808/fa>. [in Persian]
- Mousavi, Yaghoob. 2002. The phenomenon of decreasing social solidarity in big cities. *Modarres Journal of Human Sciences* 27. <https://www.sid.ir/paper/6944/fa>. [in Persian]
- Niazi, Mohsen, and Mohammad Shirazi. 2010. Explaining the components of social capital in the modernist thought. *Social Sciences Research Journal* 4th year(2). [in Persian]
- Nowrozi, Faiz Ollah, and Mahnaz Bakhtiari. 2009. Social participation and social factors affecting its. *Strategy Quarterly* 18(53): 269-249. <https://www.sid.ir/paper/89258/fa>. [in Persian]
- Offe, Klaus. 2010. How can citizens be trusted? The book of social capital, trust, democracy and development. Compiled by Tajbakhsh Kian. Shirazeh. [in Persian]
- Onston, R. J. et al. 2001. *The dictionary of Human Geography*. New York: Black well.
- Ost Zen Hui Andreas. 2002. Participation of citizens in the planning and development of urban areas. Translated by Nasser Barakpour. *Architecture and Urban Development Magazine* (48-49). [in Persian]
- Papli Yazdi, Mohammad Hossein, and Mohammad Amir Ebrahimi. 2006. *Theories of rural development*. Samt Publications. [in Persian]
- Pirouz, Pooria. 1992. *Obstacles to Iran's Development: Historical Factors*. *Political-Economic Information* 49-60. [in Persian]
- Pourahmad, Ahmad, Kyomarth Habibi, and Mahnaz Keshavarz. 2010. The evolution of the concept of urban regeneration as a new approach in worn-out urban contexts. *Journal of Studies the Iranian-Islamic City* 1(1): 73-92. <https://www.sid.ir/paper/177341/fa>. [in Persian]
- Priscoli, J. D. 2003. *Participation Consensus Building and Conflict Management Training*. Paris: UNESCO IHP WWAP.
- Putnam, R. D. 1995. Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy* 6(1): 65-78.
- Putnam, Robert. 2001. *Democracy and civil traditions (Italy's experience and lessons for countries in transition)*. Translated by Mohammad Taghi Delfrooz. Salam newspaper publication. [in Persian]

- Rafipour, Faramarz. 1998. *Development and Conflict*. Tehran: Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Ravanbakhsh, Mohammad Hossein. 2008. A comparative study of the cohesion of the social in the north and south of Tabriz. *Isfahan University Humanities Research Journal* (23). <https://www.sid.ir/paper/449881/fa>. [in Persian]
- Razandishan Omran Consulting Engineers. 2018. Development document of Imam Ali neighborhood, markazi Province of Arak city, Ministry of Roads and Urban Development, Urban Regeneration Company of Iran. [in Persian]
- Razavi Al-Hashem, Behzad, Ali Kazemi, and Behzad Razavi. 2010. Ethnic identities, social cohesion, national security. social science monthly book, new period. [in Persian]
- Rose, R. 1999. Getting Things Done in an Anti modern Society: social capital Networks in Russia. *Dasgupta & Serageldin* 1999: 71-147.
- Rošgar Khaled, Amir, Maisam Mohammadi, and Masoumeh Ismail Beigi. 2013, The relationship between feeling of relative deprivation and social solidarity among the youth of Tehran. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran* 3(3). [in Persian]
- Rotter, J. B. 1980. "Interpersonal Trust trustworthiness and Gullibility". *American Psychologist* (8): 1-7.
- Rowe, G., and L. J. Frewer. 2005. A Typology of Public Engagement Mechanisms. Science.
- Salehi Amiri, Seyyedreza, and Sepideh Mohammad. 2011. Examining and determining the damage of relations between the Islamic City Council and the Municipality. *Urban Management Studies* 2(2): 21-41. <https://sanad.iau.ir/journal/ums/Article/3932?jid=3932>. [in Persian]
- Sanoff, H. 2000. *Community Participation Methods in Design and Planning*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Smith, B. L. 2003. *Public Policy and Public Participation Engaging Citizens and Community in the Development of Public Policy*. Canada: BLSmith Groupwork Inc.
- Svendsen, G. L. H., and G.T. Svendsen. 2000. Measuring social capital: the Danish co-operative dairy movement. *Sociologia Ruralis* 40(1): 72-86.
- Sztompka, Piotr. 2006. *The trust of a sociological theory*. Translated by Fatemeh Golabi. Tabriz: translation publisher. [in Persian]
- Sztompka, Piotr. 2008. *Trust: Sociological Theory*. Translated by Gholamreza Ghaffari. Tehran: Shirazeh Publishing. [in Persian]
- Valerie. 1999. *Trust and Governance*. New York: Russel Say Foundation.
- Yarmohammed Tosaki, Maryam. 2014. Investigating the state of social solidarity in the urban development of Arak. *National Studies Quarterly* 16(62). https://www.rjnsq.ir/article_97038.html. [in Persian]
- Yazdan Panah Shahabadi, Mohammad Reza, and Hassan Sajjadzadeh. 2017. The effect of social capital on the quality of urban life; a social approach in planning historical neighborhoods; A case study of the historical context of Tehran. *Quarterly of Cultural Studies Society, Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies* 9(3). https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_3596.html. [in Persian]
- Zainalzadeh, Setareh, and Mohammad Jahed Gadami. 2016. Clarification and prioritization of influential dimensions to realize participatory renovation in a worn-out urban context (case study: Shahid Khubbakht neighborhood of Tehran). *Bagh Nazar* 13(43): 61-76. <https://www.sid.ir/paper/518920/fa>. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

نیکدست، محمود، بهمن ادیبزاده، مرجان خان محمدی، و سعید صالحی مرزيجرانی. ۱۴۰۳.
توانمندسازی: مدل مرمت و احیای پایدار بافت‌های تاریخی ایران. نشریه معماری و شهرسازی
آرمان شهر ۱۷(۴۷): ۷۳-۸۹.

DOI: 10.22034/AAUD.2024.406112.2802

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_191417.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



